

حوادث

تبر به دستان خطرناک با تهدید به اسیدپاشی زورگیری می کردند

اعترافات وحشتناک زوج بی رحم در جلسه دادگاه

سید خلیل سجادی‌پور - زن و شوهر کریستالی که ماجراهای وحشتناکی را با زور گیری از راننده تاکسی اینترنتی در مشهد رقم زده بودند، در حالی برای آخرین بار پای میز محاکمه ایستاند که مدعی بودند مواد مخدر از نان شب هم واجب تر است!

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، شب بیست و یکم آبان گذشته، راننده یکی از شرکت های تاکسی اینترنتی، وحشت زده با پلیس تماس گرفت و ماجرای تکان دهنده ای را بازگو کرد. او که هنوز از ترس صدایش می لرزید از زن و شوهر جوانی سخن گفت که به عنوان مسافر سوار خودروی وی شده اند، اما در مسیر با تهدید به اسیدپاشی و با یک قبضه تبر ترسناک، خودروی او را زورگیری کرده‌اند. در پی این تماس، ماموران انتظامی وارد عمل شدند و چند روز بعد، زوج زورگیر کریستالی را دستگیر کردند. پرونده این زوج جوان پس از طی مراحل اداری‌سی، به شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی ارسال شد؛ چرا که اقدامات وحشتناک آن‌ها موجی از نگرانی را در بین رانندگان به راه انداخته بود. طبق گزارش پلیس، این زوج خطرناک سابقه دار قبلا نیز دو دستگاه خودروی تینیا و پراید را با همین شیوه زورگیری کرده بودند. طولی نکشید که زوج جوان با اتهام آدم‌ربایی و مشارکت در سرقت مسلحانه شیانه، پای میز محاکمه نشستند تا به سوالات تخصصی قضات با تجربه شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی پاسخ دهند و از خود دفاع کنند.

بنابر گزارش اختصاصی خراسان، در آغاز جلسه دادگاه ابتدا شاکی پرونده که راننده ای ۳۷ساله بوده به تشریح ماجرای زورگیری پرداخت و در حالی که هنوز هم از دیدن مرد تبر به دست و زنی که بطری اسید در دست داشت، وحشت زده به اطراف می نگریست، درباره آن شب ترسناک گفت: سفری رفت و برگشت از طریق شرکت اینترنتی به من واگذار شد که باید مسافرائی را از توس ۹۷ به شهر ک کشف می بردم و آن‌ها را بازمی گرداندم، اما هنوز به مقصد نرسیده بودیم که مسافر اتم پیاده نشدند و با تهدید تبر و

اسید مرا به بیابان های انتهایی توس ۹۷ بردند و با چند ضربه تبر نه تنها مرا مجروح کردند، بلکه ضربه هایی نیز به خودروی من کوبیدند و من از ترس خودروی سمند را رها کردم و حتی به پشت سرم نیز نگاه نکردم. فقط در بیابان می گریختم؛ چرا که آن‌ها تبر به دست در تعقیب من بودند. به گزارش روزنامه خراسان، سپس «مجتبی» (متهم) با دستور رئیس دادگاه مقابل میز عدالت ایستاد و به سوالات فنی مقام قضایی پاسخ داد.

حقیقت ماجرا را بیان کنید؟

آن شب خیلی بی‌پول و خمار بودم. همسرم به تاکسی اینترنتی زنگ زد و ما سوار خودرو شدیم. وقتی به بیراهه رسیدیم من راننده را ترساندم و آن بنده خدا هم فرار کرد و رفت. بعد از آن با شماره ای که هنگام درخواست خودرو تماس گرفته بود، زنگ زدم که من اشتباه کرده ام و از خواستم، بیاید خودروی خود را پس بگیرد! چون خودرو هم نقص فنی داشت! داخل خودرو مبلغی وجه نقد؛ به شعبه ششم دادگاه طلای پارسیان و کارت بانکی بود که آن‌ها را برداشته بودیم.

تبر متعلق به چه کسی بود؟ مال خودم است.

بطری اسید هم دست شما بود؟ اسید نبود، آب رخت چرک‌ها بود که بعد از شست‌وشوی لباس، همسرم داخل بطری ریخت.

مطمئن هستید؟
بله!

خودت درون بطری ریختی؟ نه همسرم پر کرد.
چهرنگی بود؟ آب یک لباس چرک بود.
روی آب‌ها کف هم بود؟ مقداری کف داشت.

چرا هسرت آن آب های کثیف را درون بطری ریخت؟ برای آن که راننده را بترسانیم.

پس نشسته زورگیری را از قبل طراحی کرده بودید؟
بله! قبل از آن که با تاکسی

اینترنتی تماس بگیریم این نقشه را کشیدیم!
چه کسی طرح این نقشه بود؟ همسرم آن را برنامه ریزی کرد.
انگیزه شما چه بود؟ خمار بودم، پول مواد نداشتم!
یعنی پول خرید مواد غذایی را داشتید؟ نه! شکمم سیر نبود.
یعنی گر سته بودید به خاطر تامین پول مواد ازین زورگیری را انجام دادید؟
بله! مواد از همه چیز مهم تر است حتی از شکم!
به چه منظوری به خیابان توس ۳۳ رفتید؟ جزئی از نقشه بود. می خواستم راننده تصور کند که این جامنزل اقوام و

من راننده را ترساندم و آن بنده خدا هم فرار کرد و رفت. بعد از آن با شماره ای که هنگام درخواست خودرو تماس گرفته بود، زنگ زدم که من اشتباه کرده ام و از خواستم، بیاید خودروی خود را پس بگیرد! چون خودرو هم نقص فنی داشت! داخل خودرو مبلغی وجه نقد؛ به شعبه ششم دادگاه طلای پارسیان و کارت بانکی بود که آن‌ها را برداشته بودیم.

متهمان در جلسه دادگاه

آشنایان ماست تا پلیس نتواند ما را دستگیر کند!
اسید هم دست شما بود؟ اسید نبود، آب رخت چرک‌ها بود که بعد از شست‌وشوی لباس، همسرم داخل بطری ریخت.
مطمئن هستید؟
بله!
خودت درون بطری ریختی؟ نه همسرم پر کرد.
چهرنگی بود؟ آب یک لباس چرک بود.
روی آب‌ها کف هم بود؟ مقداری کف داشت.
چرا هسرت آن آب های کثیف را درون بطری ریخت؟ برای آن که راننده را بترسانیم.
پس نشسته زورگیری را از قبل طراحی کرده بودید؟
بله! قبل از آن که با تاکسی

اختصاصی خراسان